



فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

پیش‌بینی‌گرایش به روابط فرازناشویی براساس طرح‌واره‌های
ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای زنان
متقاضی طلاق

۲۴

محدثه صالحی^۱، اسماعیل صدری دمیرچی^۲ و زهرا اخوی ثمین^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای با گرایش به روابط فرازناشویی در زنان متقاضی طلاق انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی و رگرسیون بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام شد. جامعه پژوهش حاضر تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اردبیل بودند که از بین آنها ۲۱۴ نفر با کمک روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به عنوان گروه نمونه به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه تمایل به روابط فرازناشویی دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹)، پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS) و پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که سه متغیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه معنادار ($P \leq 0/001$) داشتند و با یکدیگر حدود ۱۷ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق را تبیین کردند ($P \leq 0/001$). این نتایج همچنین نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حدود ۱۶ درصد ($P \leq 0/001$)، سبک‌های دلبستگی حدود ۹ درصد ($P \leq 0/001$) و راهبردهای مقابله‌ای حدود ۱۰ درصد ($P \leq 0/001$) از تغییرات گرایش به روابط فرازناشویی را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی، راهبردهای مقابله‌ای، گرایش

به روابط فرازناشویی، زنان متقاضی طلاق

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۲۴
بهار ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۲/۱۹
صص: ۴۵-۳۳

شابا چاپی: ۵۳۲۲-۲۴۷۶



Q4

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران. salehi.mohaddese@yahoo.com

۲. استاد گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

e.sadri@uma.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

مقدمه

خانواده و موضوع خانواده یکی از مهمترین موضوعات و مفاهیم در مشاوره و روانشناسی به شمار می رود (مرادی، کرمی نیا، حاتمی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۶). سلامت جامعه در گروه خانواده سالم است به شکلی که تمام آسیب های اجتماعی ریشه در خانواده دارد، از همین رو باید گفت جامعه سلام بدون داشتن خانواده سالم محقق نخواهد شد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶). خانواده، نخستین، قدیمی ترین و اصلی ترین (منصورزاده، ۱۳۹۹) نهاد اجتماعی هر جامعه ای بوده (فتحی و آزادیان، ۱۳۹۶) و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی آن جامعه به شمار می رود (منصورزاده، ۱۳۹۹). در تمام فرهنگ ها خانواده به عنوان منبع اولیه ارضای نیازهای اساسی فرد (مرتضی، قربانی، علی بیگی، میرآخورلو و ارجنه، ۱۳۹۷)، کانون شکل گیری هویت، پایه بنیادین اجتماع، سلول سازنده زندگی، خشت بنای جامعه، کانون اصلی حفظ سنت ها و هنجارها و ارزش های اجتماعی و شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانون بروز و ظهور عواطف انسانی و پرورش اجتماعی است (بنی فاطمه و طاهری تیمورلویی، ۱۳۸۸؛ به نقل از مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) که موقعیت های متعددی را برای یادگیری و تشکیل نگرشها و باورهای افراد فراهم می آورد و از این طریق در کنار رفع نیازهای جسمانی و روانی، نقش ضروری و پررنگی در مسئولیت های آموزشی و تربیتی و انتقال ارزش های اجتماعی به عهده دارد (مصلحی، ۲۰۱۲؛ به نقل از مرتضی و همکاران، ۱۳۹۷).

در تعریف خانواده باید گفت که خانواده یک واحد عاطفی و شبکه ای از روابط در هم تنیده موجود در بین مجموعه ای از افراد است (اسپاین، ویدمر و ایگلسیاس، ۲۰۱۶) که با برقراری ارتباط محکم و دائمی بین زون و مرد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) پیوندی که از طریق ازدواج پدید می آید (بهار، ۱۳۹۴؛ به نقل از مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) و در آن چگونگی و کیفیت روابط بین زوجین تعیین کننده کارکرد این نهاد است (مرادی و همکاران،

۱۳۹۶): بنابراین می‌توان گفت که به تبع اهمیت خانواده، ازدواج به عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل این نهاد اهمیت مشابهی دارد (کلانتری، سامانی، افروز و رفاهی، ۱۳۹۷).

ازدواج به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های تحرک اجتماعی (احمدی موحد، ۱۳۸۷؛ به نقل از مرادی و همکاران، ۱۳۹۷)، یک پدیده پیچیده است که مهمترین، تاثیرگذارترین، مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه انسانی شناخته می‌شود و دارای ابعاد وسیع و عمیق بوده و اهداف متعددی را دنبال می‌کند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱ به نقل از فتوحی و آزادیان، ۱۳۹۶). ازدواج، یکی از مهمترین و عالی‌ترین سنت‌های اجتماعی در جهت دستیابی به نیازهای ایمنی و عاطفی بزرگسالان (کبریتیچی و محمدخانی، ۲۰۱۶؛ به نقل از دادو و دبیری، ۱۳۹۸) و گام اول تشکیل خانواده و درهم آمیختن دو چشم انداز، دو تاریخچه و ارزش‌ها و جهان بینی‌های متفاوت است و از همین رو بعنوان اولین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی شناخته می‌شود (نیتزل، وینت و مک دونالد، ۲۰۱۳). ازدواج از ابتدای تاریخ به عنوان راهی برای دستیابی به نیازهای عاطفی امنیتی افراد شناخته شده و از همین رو بر آن تاکید شده است. گرایش به ازدواج در سایه تامین نیازهایی همچون نیازهای عاطفی، امنیتی، اقتصادی، محافظتی، نیاز به احساس آرامش و فرار از تنهایی و مهمتر از همه آنها نیازهای جنسی در بین تمام افراد بشر امری طبیعی به شمار می‌رود (سرمدی و احمدی، ۱۴۰۰). با این حال ازدواج همیشه رضایت بخش و ازدواجی موفق نیست و چنانچه شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای اساسی ایجاد کند اثرات منفی و بعضاً جبران ناپذیری برای زوجین خواهد داشت (علی اکبری دهکردی، ۲۰۱۰). یکی از بحرانی‌ترین شرایطی که یک ازدواج می‌تواند تجربه کند خیانت زناشویی است.

روابط فرا زناشویی موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک بر همه کسانی باشد که درگیر با آن هستند. مناسبات جنسی قبل از ازدواج و بعد از آن، به همان اندازه رایج بوده که از اعصار باستان تا قرن بیستم. سیل طبیعت بوالهوس مرد، از سیل بندهایی که

قوانین کلیسایی برای عوام الناس ایجاد کرده بود، سرازیر می شد و برخی از زنان نیز احساس می کردند می توان با طاعات هفتگی، کفاره لذات شهوانی آنی را داد. جهان عیسوی پر بود از اطفال حرام زاده و حرام زادگی که موضوع اصلی هزاران قصه مختلف گردید (دورانت، ترجمه دولتشاهی، ۱۳۹۱).

در کنار طرح واره های ناسازگار اولیه و سبک های دلبستگی، شاید بتوان راهبردهای مقابله با استرس را یکی دیگر از ابعاد مهم روابط زناشویی زوجین در نظر گرفت که در هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی در زوجین آشکار می گردد (پیت و کایسر، ۲۰۰۶) و آینده روابط آنها را پیش بینی می کند. سوالز، سالتن و گاراچاگا (۲۰۱۲) استرس را به عنوان یک پدیده روانشناختی تعریف می کنند که می تواند منجر به بروز طیف وسیعی از اختلالات روانی گردد، و در نتیجه می توان انتظار داشت که راهبردهای کارآمد مقابله با استرس می تواند نقش مهمی در کیفیت زندگی افراد داشته باشد (چنگ، کو و لی، ۲۰۱۲). از طرف دیگر مقابله را نمی توان تحت عنوان یک مفهوم معین و مشخص تعریف کرد چرا که ممکن است اصطلاحات زیادی همچون راهبردها، تدابیر، پاسخ ها، شناخت ها و رفتارها را تحت پوشش خود قرار دهد (شوارتزر و شوارتزر، ۱۹۹۶)، به همین رو نیز شیوه های مقابله ممکن است راهبردهای شناختی یا رفتاری ای باشند که افراد برای کنترل بر زندگی خود مورد استفاده قرار می دهند (تانگیر، لیمن و گالسر، ۲۰۱۰).

مقابله شناختی مطابق با دیدگاه پدیدارشناختی ناراحتی های روانشناسی لازاروس^۱ و فولکمن^۲ (۱۹۸۴)، تلاشی رفتاری و شناختی به شمار می رود که با هدف مدیریت تقاضاهای فشارزای بیرونی و درونی مورد استفاده قرار می گیرد و ممکن است مسئله مدار، اجتناب مدار و یا هیجان مدار باشد (اندلر^۳ و پارکر^۴، ۱۹۹۰). هر یک از این شیوه های مقابله ای هر چند ممکن است ریشه در عوامل ژنتیکی داشته باشد، با اینحال عمدتاً در نتیجه تجارب قبلی

1 Lazarus, R. S
2 Folkman, S
3 Endler, N. S
4 Parker, J. D. A

شکل گرفته و آموخته شده است، از همین رو می‌توان امیدوار بود که بتوان آن را در آینده تغییر داد (نیاگرن^۱، کارستسن^۲ و لودویگسون^۳، ۲۰۱۲). افرادی که راهبردهای مسئله مدار را برای مواجهه با موقعیت‌ها انتخاب می‌کنند، برای کاهش تنش و مدیریت عوامل استرس زا دست به محاسبه می‌زنند، افرادی که راهبردهای اجتنابی را انتخاب می‌کنند از موقعیت دوری کرده و از مشکل اجتناب می‌کنند و افرادی که راهبردهای هیجانی را به کار می‌گیرند بیشترین تمرکز خود را معطوف کاهش احساسات منفی خود می‌کنند (هالماندریس و پاور، ۱۹۹۹). در این بین سبک‌های اجتناب مدار و هیجان مدار ممکن است با آشفتگی‌های روانی و مشکلات روانشناختی ارتباط داشته باشد (کاریکال و پاناییتو، ۲۰۱۱)، در حالی که سبک مسئله مدار با راهبردهای موثر می‌تواند سطح تنیدگی را کاهش دهد و در نتیجه آثار زیانبار احتمالی آن را نیز تعدیل سازد (فرزین راد، اصغرنژاد و یزدان دوست، ۱۳۸۹). در زندگی امروزه، اجتناب ناپذیر بودن مقابله با استرس ضرورت استفاده از شیوه‌های مقابله موثر با مشکلات زناشویی را برای زوجین بیش از پیش ساخته است و ناتوانی آنها در این مهم می‌تواند تاثیرات نامطلوبی بر روابط زناشویی آنها داشته باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که یکی از مهمترین علل گرایش به طلاق زوجین، عدم تعهد زناشویی است. عدم تعهد زناشویی نیز تحت تاثیر عوامل و علل متعددی قرار دارد که هر چند پژوهش‌های زیادی در آن زمینه انجام شده است، با این حال نقش شرایط و عوامل فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی در آن که ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر کاملاً متفاوت باشد، ضرورت انجام پژوهش‌هایی وابسته به فرهنگ و در کانتکس ایرانی را دوچندان ساخته است. از همین رو پژوهشگر در پژوهش حاضر در نظر داشت بررسی نقش حواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای در پیش‌بینی گرایش به عدم تعهد زناشویی در زوجین متقاضی طلاق پردازد.

روش

1 Nygren, M
2 Carstensen J
3 Ludvigsson J

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی بنیادی و از نظر گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی و رگرسیون می باشد. از آنجا که پژوهش حاضر با هدف آزمون فرضیه و یک الگوی نظری انجام شده است، در پی تبیین روابط بین متغیرهای زیربنایی روابط فرازنشویی بوده و کاربرد نتایج آن در درجه اول در یک زمینه خاص مطرح نیست و از همین رو جزء تحقیقات بنیادین به شمار می رود.

در این پژوهش متغیر گرایش به روابط فرازنشویی به عنوان متغیر ملاک شناخته می شود؛ متغیری که با استفاده از سایر متغیرها پیش بینی می شود. همچنین متغیرهای سبک های دلبستگی، راهبردهای مقابله ای و طرح واره های ناسازگار اولیه به عنوان متغیر پیش بین ایفای نقش می کنند؛ متغیرهایی که از طریق آنها پژوهشگر سعی در پیش بینی متغیر ملاک (گرایش به روابط فرازنشویی) دارد.

جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی شهر اردبیل می باشند. از بین جامعه پژوهش به کمک روش نمونه گیری تصادفی، تعداد ۲۱۴ نفر انتخاب و به عنوان شرکت کنندگان در پژوهش وارد مطالعه شده و به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دادند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تمایل به روابط فرازنشویی^۱ دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹): پرسشنامه تمایل به روابط فرازنشویی، یک پرسشنامه ۱۱ گویه ای به شمار می رود که توسط دریگوتاس و همکاران در سال ۱۹۹۹ ساخته شده است. هدف اصلی این پرسشنامه ارزیابی شدت رابطه فرد با شخص دیگر خارج از رابط زناشویی و یا بعبارتی، شدت روابط فرازنشویی فیزیکی، شناختی و عاطفی می باشد. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس می باشد؛ خرده مقیاس خیانت جنسی، خرده مقیاس خیانت عاطفی و خرده مقیاس خیانت شناختی. نمره گذاری در پرسشنامه حاضر با استفاده از طیف لیکرد ۸ درجه صورت می گیرد. در پژوهشی که توسط

1 Drigotas tendency for extramarital relationships

دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹) انجام شد، پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای با ۰/۹۳ بدست آمد. در این پژوهش ضریب همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه رفتار خیانت آمیز برابر با ۰/۸ بود، که حاکی از روایی مطلوب آن می باشد. در ایران نیز این پرسشنامه توسط سامی و همکاران (۱۳۹۳) هنجاریابی گردید که در آن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ حاکی از پایایی مطلوب این ابزار برای جمعیت ایرانی بود.

پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF¹): پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه فرم کوتاه یک پرسشنامه ۷۵ آیتمی که توسط یانگ (۱۹۹۸)؛ به نقل از لطفی و همکاران، (۱۳۸۶) برای ارزیابی ۱۵ طرح واره ناسازگار اولیه ساخته شد که درون ۵ حوزه مطابق با حوزه های تحولی اولیه قرار میگیرند. که برای پاسخ خود از یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای استفاده کنند (اشمیت و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از لعل زاده، ۱۳۹۴). آلفای کرونباخ پرسشنامه طرح واره یانگ برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس های بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شده است. آلفای کرونباخ نسخه فارسی پرسشنامه طرح واره یانگ ۰/۹۰ تا ۰/۶۲ و ثبات درونی آن ۰/۹۴ بدست آمده است (هادی، ۱۳۹۵).

پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS²): پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان بر اساس نظریه هازن و شیور توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه در ابتدا از ۲۱ گویه تشکیل شده بود که بعد ها با حذف سه گویه تبدیل به یک پرسشنامه ۱۸ گویه شد (کولینز و رید، ۱۹۹۰). پرسشنامه حاضر از سه خرده مقیاس سبک اضطرابی، سبک نزدیک بودن و سبک ایمن تشکیل شده است و نمره گذاری آن با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه ای انجام می شود. این پرسشنامه در ایران توسط پاکدامن هنجاریابی شده است که در آن آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن (۰/۷۴)، اجتنابی (۰/۵۲) و مضطرب (۰/۲۸) حاکی از پایایی مطلوب آن در جامعه ایرانی بود.

1 Young Schema Questionnaire – Short Form

2 Revised Adult Attachment Scale

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس و فولکمن^۱ (۱۹۸۴): پرسشنامه راهبردهای مقابله ای توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) ساخته شد و در مجموعه ۶۶ سوال دارد. این پرسشنامه دامنه وسیعی از افکار و رفتارهای افراد را در هنگام مواجهه با تنش های درونی و بیرونی مورد سنجش قرار می دهد (محمود علیلو، ۱۳۹۰). این مقیاس در دو قالب کلی راهبرد مقابله مسأله مدار با چهار زیرمقیاس جست و جوی حمایت اجتماعی، حل مسأله برنامه ریزی شده، ارزیابی مجدد مثبت و مسئولیت پذیری و راهبرد مقابله ای هیجان مدار با چهار زیرمقیاس رویارویی، خودکنترلی، فاصله گیری و گریز و اجتناب طراحی شده است. طوسی (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را برای جامعه ایرانی برابر با ۰/۸۵ برآورد کرده است (موسوی نسب و تقوی، ۱۳۸۶). علاوه بر این در مطالعه بروکی میلان (۱۳۹۳) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در بعد مقابله مستقیم ۰/۷۰، فاصله گرفتن ۰/۶۱، خودکنترلی ۰/۷۱، طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۶، پذیرش مسئولیت ۰/۶۶، گریز و اجتناب ۰/۷۲، حل مسأله برنامه ریزی شده ۰/۶۷ و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۹ و ضریب اعتبار آن ۰/۸۴ برآورد شد.

پژوهشگر برای تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش حاضر از دو دسته شاخص های آمار توصیفی و استنباطی استفاده کرد. در بخش آمار توصیفی با استفاده از جداول و نمودار ها و شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش استنباطی و با هدف ارائه تحلیل استنباطی از داده برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه و با هدف تعیین قدرت پیشینی گرایش به روابط فرازناتشویی بر اساس متغیر طرح واره های ناسازگار اولیه با استفاده از برنامه Spss-22 و از طریق روش رگرسیون خطی محاسبات لازم صورت گرفت. علاوه بر این در این بخش پژوهشگر با تکیه بر آزمون های مختلف ابتدا پیش فرض های مربوط به روش رگرسیون خطی را بررسی نمود و پس از اطمینان از برقرار بودن این پیش فرض ها اقدام به اجرای رگرسیون خطی کرد.

یافته ها

در جدول زیر داده های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهشی ارائه شده است:
 جدول ۱. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد و کجی و کشیدگی) متغیرهای

پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
گرایش به روابط فرازنشویی		۲۵/۳۷	۲۱/۹۹	۰/۵۶۱	-۰/۹۳۹
سبک دلبستگی	ایمن	۱۲/۲۶	۲/۹۷	۰/۲۷۳	-۰/۲۳۳
	اضطرابی	۱۱/۲۳	۵/۳۷	-۰/۰۳۹	-۰/۶۸۱
	اجتنابی	۱۲/۶۱	۲/۷۴	-۰/۰۰۶	-۰/۰۹۳
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	محرومیت هیجانی	۱۴/۷۸	۶/۷۷	۰/۳۸۳	-۰/۶۹۰
	رهاشدگی / بی‌ثباتی	۱۴/۴۶	۶/۲۴	۰/۴۸۲	-۰/۴۱۱
	بی‌اعتمادی / بد رفتاری	۱۴/۲۷	۵/۹۸	۰/۴۲۵	-۰/۳۵۰
	انزوای اجتماعی / بی‌گانگی	۱۲/۹۵	۶/۳۳	۰/۴۴۰	-۰/۸۵۴
	نقص / شرم	۱۰/۶۳	۵/۹۹	۰/۹۷۶	۰/۰۷۵
	شکست	۱۲/۱۱	۶/۶۴	۰/۷۴۸	-۰/۳۲۸
	وابستگی / بی‌کفایتی	۱۰/۹۰	۶/۰۴۴	۰/۹۰۶	-۰/۰۳۴
	آسیب‌پذیری	۱۲/۸۵	۶	۰/۴۹۴	-۰/۳۶۸
	گرفتار / خویشتن تحول نیافته	۱۱/۹۱	۵/۸۱	۰/۶۵۳	-۰/۳۹۴
	اطاعت	۱۳/۵۳	۵/۸۰	۰/۴۸۰	-۰/۵۴۳
	ایثارگری	۱۸/۴۶	۵/۶۲	-۰/۱۸۹	-۰/۲۰۲
	بازداری هیجانی	۱۳/۴۴	۵/۸۸	۰/۲۵۲	-۰/۸۷۳
	معیار سرسخت‌گیرانه	۱۷/۸۸	۵/۶۱	۰/۰۳۷	-۰/۰۲۲
	استحقاق / بزرگ‌منشی	۱۶	۵/۰۸	۰/۰۷۳	-۰/۰۲۲
	خویشتن داری / خودانضباطی ناکافی	۱۵/۵۷	۵/۵۷	۰/۰۶۱	-۰/۳۷۴

۰/۲۶۷-	۰/۳۲۴	۳/۳۴	۱۴/۹۴	مقابله مستقیم	راهبردهای مقابله ای
۰/۱۳۹-	۰/۳۶۰	۳/۳۹	۱۴/۰۶	فاصله گرفتن	
۰/۶۰۳	۰/۴۴۱	۳/۳۰	۱۷/۷۵	خودکنترلی	
۰/۱۹۹	-۰/۰۱۹	۳/۳۳	۱۶/۲۷	طلب حمایت اجتماعی	
۰/۲۴۵-	۰/۱۹۳	۲/۲۴	۱۰/۷۰	پذیرش مسئولیت	
۰/۳۹۸-	۰/۲۹۰	۴/۵۷	۱۹/۱۸	گریز / اجتناب	
۰/۱۷۴-	۰/۰۸۳	۳/۲۸	۱۵/۷۹	حل مسئله برنامه ریزی	
شده					
۰/۱۹۲-	-۰/۱۸۱	۴/۱۱	۱۹/۲۱	ارزیابی مجدد مثبت	

مطابق در این بخش میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرها به همراه کجی و کشیدگی قید شده است. کجی و کشیدگی یکی از شاخص های محاسبه نرمال بودن توزیع نمرات در هر یک از متغیرهای پژوهشی می باشد. در صورتی که مقدار کجی و کشیدگی بین ± 2 باشد می توان گفت که توزیع داده ها در آن متغیر نرمال می باشد. از آنجا که کجی و کشیدگی در تمام متغیرها و مولفه های هر یک از متغیرها در پژوهش حاضر در محدوده اعلام شده است می توان گفت که توزیع نمرات برای تمامی متغیرها و مولفه های آنها نرمال بوده است.

جهت بررسی فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. مهمترین پیش فرض استفاده از این ضریب همبستگی، نرمال بودن توزیع نمرات بود که با توجه به نمرات مربوط به کجی و کشیدگی (جدول ۲) می توان گفت که این فرضیه رعایت شده است، از همین رو استفاده از این ضریب همبستگی امکان پذیر است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین و متغیر گرایش به روابط فرازناشویی

متغیر	مولفه	همبستگی	معناداری	متغیر	مولفه	همبستگی	معناداری
				گرایش به روابط فرازناشویی			

فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

دلبستگی	سبک	ایمن	۰/۱۰۰ -	۰/۱۴۷	طرح	محرومیت	۰/۲۹۵**	۰/۰۰۱
		اضطرابی	۰/۲۶۷**	۰/۰۰۱	واره های	هیجانی	۰/۲۶۶**	۰/۰۰۱
		اجتنابی	۰/۲۴۱** -	۰/۰۰۱	ناسازگار	رهاشدگی	۰/۳۲۳**	۰/۰۰۱
	راهبردهای	مقابله	۰/۲۰۲**	۰/۰۰۱	اولیه	بی اعتمادی	۰/۳۱۹**	۰/۰۰۱
	مقابله ای	مستقیم				انزوای		
		فاصله گرفتن	۰/۲۱۵**	۰/۰۰۱		اجتماعی	۰/۳۴۲**	۰/۰۰۱
		خودکنترلی	۰/۱۹۸**	۰/۰۰۱		نقص / شرم	۰/۳۲۵**	۰/۰۰۱
		حمایت	۰/۰۶۳	۰/۳۶۱		شکست	۰/۳۳۰**	۰/۰۰۱
		اجتماعی				وابستگی /		
		پذیرش	۰/۰۱۲	۰/۸۶۱		بی کفایتی	۰/۲۸۷**	۰/۰۰۱
		مسئولیت				آسیب پذیری		
		گریز /	۰/۳۲۱**	۰/۰۰۱		خویشتن	۰/۳۴۵**	۰/۰۰۱
		اجتناب				تحول نیافته		
		حل مسئله	۰/۱۰۹	۰/۱۱۰		اطاعت	۰/۳۲۲**	۰/۰۰۱
		ارزیابی	۰/۰۱۶	۰/۸۱۲		ایثارگری	۰/۱۴۳*	۰/۰۳۶
		مجدد مثبت						
						بازداری هیجانی	۰/۳۱۸**	۰/۰۰۱
						معیار	۰/۱۴۷*	۰/۰۳۱
						سرسخت گیرانه		
						استحقاق	۰/۳۰۴**	۰/۰۰۱
						خودانضباطی	۰/۳۴۴**	۰/۰۰۱
						ناکافی		

*p<۰/۰۰۵ **p<۰/۰۰۱

نتایج نتایج همبستگی پیرسون حاکی از آن است که متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با سبک دلبستگی اضطرابی رابطه مستقیم و معنادار، سبک دلبستگی اجتنابی رابطه معکوس و معنادار، و سبک دلبستگی ایمن رابطه غیرمعنادار دارد. همچنین این نتایج حاکی از آن بود که گرایش به روابط فرازناشویی با هر ۱۵ طرح واره ناسازگار رابطه مثبت و معنادار دارد و از بین راهبردهای مقابله ای با سبک مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی و گریز/اجتناب رابطه مستقیم و معنادار دارد.

در ادامه نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون پیش بینی گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس متغیرهای سبک های دلبستگی، طرح واره های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله ای و مولفه های آنها ارائه شده است (جدول ۳). در تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان هیچ یک از مولفه های مربوط به متغیرهای پژوهش حذف نگردید و تمامی مولفه های ممکن در معادله حفظ شدند و این به مفهوم معناداری اثر هر یک از مولفه های پیش بین بر متغیر ملاک بود. نتایج تحلیل صورت گرفته حاکی از آن بود که تنها متغیری که قادر بود به تنهایی پیش بینی معناداری از روابط فرازناشویی داشته باشد، مولفه محرومیت هیجانی از متغیر طرح واره های ناسازگار اولیه بود. این تحلیل همچنین نشان داد که مولفه های متغیرهای سبک های دلبستگی، طرح واره های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله ای در مجموع ۱۶ درصد از واریانس متغیر گرایش به روابط فرازناشویی را پیش بینی می کنند $(f = 2/557, Df = (187,26), P < 0/001)$.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش بینی متغیر گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس سبک های دلبستگی، طرح واره های ناسازگار اولیه و راهبردهای

مقابله ای

P	df	f	R ²	P	T	Beta	متغیرهای پیش بین	
							متغیر	مولفه
۰/۰۰۱	۱۸۷،۲۶	۲/۵۵۷	۰/۱۶۰	۰/۵۸۸	۰/۵۷۳	۰/۰۴۲	سبک	ایمن
				۰/۵۶۸	۰/۲۰۷	۰/۰۱۹	دلبستگی	اضطرابی
				۰/۱۲۴	-۱/۵۴۵	-۰/۱۲۲	دلبستگی	اجتنابی

۰/۰۱۳	۲/۵۱۷	۰/۲۱۴	محرومیت هیجانی	طرح وار های ناسازگار اولیه
۰/۸۷۲	-۰/۱۶۱	-۰/۰۱۶	رهاشدگی / بی ثباتی	
۰/۴۳۴	۰/۷۸۴	۰/۰۸۱	بی اعتمادی / بد رفتاری	
۰/۱۲۲	-۱/۵۵۴	-۰/۲۰۷	انزوای اجتماعی / گانگی	
۰/۳۵۳	۰/۹۳۱	۰/۱۲۱	نقص شرم	
۰/۸۵۵	۰/۱۸۲	۰/۰۲۴	شکست	
۰/۷۸۰	۰/۲۸۰	۰/۰۳۶	وابستگی / بی کفایتی	
۰/۱۹۴	-۰/۳۰۲	-۰/۱۵۱	آسیب پذیری	
۰/۴۴۷	۰/۷۶۳	۰/۰۸۴	گرفتار / خویشتن تحول نیافته	
۰/۶۹۱	۰/۳۹۸	۰/۰۴۸	اطاعت	
۰/۲۱۱	-۱/۲۵۵	-۰/۱۱۰	ایثارگری	
۰/۱۸۴	۱/۳۳۳	۰/۱۲۵	بازداری هیجانی	
۰/۹۹۳	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۱	معیار سرسخت گیرانه	
۰/۲۱۱	۱/۲۵۶	۰/۱۱۵	استحقاق / بزرگ منشی	
۰/۳۳۲	۰/۹۷۲	۰/۰۹۸	خودانضباطی ناکافی	

مقاربه ای	مقاربه	۰/۰۱۳	۰/۱۳۶	۰/۸۹۲
راهبردهای مقاربه ای	مستقیم			
	فاصله گرفتن	۰/۰۵۷	۰/۶۵۳	۰/۵۱۵
	خودکنترلی	۰/۰۵۹	۰/۶۰۷	۰/۵۴۴
	طلب حمایت اجتماعی	۰/۱۵۲	۱/۵۸۳	۰/۱۱۵
	پذیرش مسئولیت	-۰/۱۶۴	-۱/۸۰۶	۰/۰۷۳
	گریز / اجتناب	۰/۰۸۷	۰/۸۷۱	۰/۳۸۵
	حل مسئله	۰/۰۱۴	۰/۱۳۸	۰/۸۹۱
برنامه ریزی شده	ارزیابی مجدد مثبت	-۰/۰۱۰	-۰/۰۸۸	۰/۹۳۰

نتایج جدول بالا نشان داد که هر سه متغیر طرح واره های ناسازگار اولیه، سبک های دلبستگی و راهبردهای مقاربه ای قادر به پیش بینی معنادار گرایش به روابط فرازنشویی بودند. این نتایج نشان داد که سه متغیر با یکدیگر حدود ۱۷ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازنشویی را تبیین می کنند با این حال متغیر طرح واره های ناسازگار اولیه به تنهایی نزدیک به ۱۶ درصد، متغیر سبک های دلبستگی به تنهایی نزدیک به ۹ درصد و متغیر راهبردهای مقاربه ای به تنهایی نزدیک به ۱۰ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازنشویی را تبیین کردند. این نتایج به شکل تلویحی به این واقعیت اشاره دارد که متغیرهای طرح واره های ناسازگار اولیه، سبک های دلبستگی و سبک های مقاربه ای با یکدیگر نیز ممکن است ارتباط

معناداری داشته باشند که با وجود میزان درصد تبیین داده‌ها، سه متغیر در کنار یکدیگر تنها ۱۷ درصد از تغییرات روابط زناشویی را تبیین کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش طرح واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای زنان متقاضی طلاق بر گرایش به روابط فرازناشویی آن‌ها بود. در ادامه به تبیین یافته‌های مربوط به هر یک از فرضیه‌های پژوهش خواهیم پرداخت. فرضیه اصلی پژوهش: طرح واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای قادر به پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی طرح واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای در پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی زنان متقاضی طلاق انجام شد. نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که این سه متغیر در کنار یکدیگر قادر بودند حدود ۱۷ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازناشویی زوجین را پیش‌بینی کنند. نتایج یافته‌های مربوط به فرضیه اصلی پژوهش با پژوهش‌های نعمت زاده گتایی و همکاران (۱۴۰۱)، اکرمی و همکاران (۱۴۰۱)، کمربیگی و کمربیگی (۱۳۹۹)، مهدی زاده و دره کردی (۱۳۹۹)، وجدانی، کرمی و احمدی (۱۳۹۹)، میرزا مرادی (۱۳۹۸)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۸)، بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری نیا (۱۳۹۸)، خیاط، عطاری و کرایبی (۱۳۹۷)، فردوسی (۱۳۹۷)، نوری، حقی و بهاری فر (۱۳۹۷)، رضوانی ملکرودی و اسدی (۱۳۹۶)، شهیاد (۱۳۹۶)، رضوانی زاده و اسلانی کتولی (۱۳۹۵)، نوایی و محمدی آریا (۱۳۹۴)، ایکسونگ و همکاران (۲۰۲۲)، آگباریا (۲۰۲۱)، تاوول و همکاران (۲۰۲۰)، چای و همکاران (۲۰۱۹)، هانسون و لیدبلند (۲۰۱۶) و کامپاز و گاتمن (۲۰۱۵) همسو بود.

تبیین های مربوط به ارتباط هر یک از متغیرهای طرح واره های ناسازگار اولیه، سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله ای و نقش پیش بینی کنندگی آن ها در پیش بینی گرایش به روابط فرازناشویی در فرضیه های بعدی به تفصیل بیان خواهد شد.

فرضیه فرعی اول پژوهش: طرح واره های ناسازگار اولیه زنان متقاضی طلاق قادر به پیش بینی گرایش به روابط فرازناشویی آن ها می باشد.

همان گونه که مطرح شد، نتایج تجزیه تحلیل داده ها حاکی از آن بود که طرح واره های ناسازگار اولیه در کنار یکدیگر حدود ۱۶ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازناشویی را تبیین می کردند. این نتایج همچنین نشان داد که از بین طرح واره های ناسازگار اولیه، تنها طرح واره محرومیت هیجانی به تنهایی قادر به پیش بینی معنادار گرایش به روابط فرازناشویی می باشد. نتایج حاصله در این بخش پژوهش با پژوهش های مهدی زاده و دره کردی (۱۳۹۹)، بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری نیا (۱۳۹۸)، خیاط، عطاری و کرای (۱۳۹۷)، نوایی و محمدی آریا (۱۳۹۴)، هانسون و لیدبلند (۲۰۱۶) و کامپاز و گاتمن (۲۰۱۵) همسویی دارد. در واقع طرح واره های ناسازگار اولیه ممکن است ترس از رها شدن افراطی را در افراد و مخصوصاً افراد متأهل ایجاد کند که یکی از راهبردهای مقابله با چنین ترسی در زنان، استفاده از مکانیسم اجتناب طرح واره ای می باشد. این مکانیسم از آن ها در برابر اضطراب ناشی از فعال شدن طرح واره های مختلف جلوگیری می کند. در واقع در نتیجه اجتناب طرح واره ای زنان معمولاً از همراهی و وابستگی به همسر اجتناب می کنند تا بلکه به این روش از فعال شدن طرح واره های مختلف پیش گیری کنند، شرایطی که منجر به بروز تعارضات زناشویی می شود و تعارضات زناشویی نیز در صورتی که با بی توجهی زوجین نسبت به حل آن ها همراه گردد سلامت خانواده را به خطر انداخته و نگرش های مثبتی نسبت به روابط فرازناشویی در زوجین ایجاد می کند (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸). تعارضات زناشویی ایجاد شده در نتیجه اجتناب طرح واره ای در روابط بزرگ سالی، در نتیجه فعال شدن طرح واره های ناسازگار اولیه به وجود می آید، طرح واره هایی که منجر به بروز بی ثباتی در افکار،

رفتار و پردازش اطلاعات به‌طور نادرست در روابط زناشویی می‌شود و این مسئله منجر به احساس طرد، ناامنی و بی‌اعتمادی در این روابط می‌شود، ترسی که نه بر منشأ واقعی که بر منشأ غیرواقعی برآمده از طرح واره‌های ناسازگار استوار است. در واقع باید گفت که طبق نتایج تحقیقات مختلف طرح واره‌های ناسازگار اولیه به‌طور معمول با سوگیری‌هایی در تفسیر واقعیت و رویدادها همراه است که اساس احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در افراد قرار می‌گیرند (کامپاز و گاتمن، ۲۰۱۵). این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی تحت عنوان سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، اهداف غیرواقع‌بینانه و ... در همسران شناخته می‌شوند. سوءبرداشت‌هایی که ادراک و ارزیابی‌های بعدی زوجین را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مسئله بیان‌کننده این واقعیت است که طرح واره‌های ناسازگار در مسیر زندگی افراد تداوم خواهند یافت و روابط بعدی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهدیزاده و دره کردی، ۱۳۹۹).

در چنین شرایطی زنانی که با طرح واره‌های ناسازگار فعال شده مواجه می‌شوند به جای مدیریت روابط زناشویی خود و در مسیر جستجوی امنیت و درک همدلی و پذیرش به سمت افرادی خارج از روابط زناشویی خود گرایش پیدا می‌کنند، افرادی که به آن‌ها احساس امنیت و درک همدلی را بدهند، و در نتیجه وارد روابط فرازناشویی می‌شوند (خیاط و همکاران، ۱۳۹۷). از طرف دیگر باید گفت که زنانی که طرح واره‌های ناسازگار اولیه فعالی دارند و مخصوصاً تجربه محرومیت هیجانی را نیز دارند، احساس خودکنترلی پایینی می‌کنند. خودکنترلی که یکی از مهم‌ترین ارکان تعهد در روابط نزدیک و از جمله روابط زناشویی به شمار می‌رود، در صورتی که با مشکلی مواجه گردد احتمال از هم پاشیدگی روابط زناشویی و نداشتن تعهد در زوجین بیشتر می‌شود (هانسون و لیندبلند، ۲۰۱۶).

به‌طور کلی می‌توان گفت که وجود طرح واره‌های ناسازگار اولیه و مخصوصاً محرومیت هیجانی به‌عنوان تنها طرح واره‌ای که نتایج پژوهش حاضر حاکی از قدرت معنادار پیش‌بینی‌کنندگی آن برای گرایش به روابط فرازناشویی داشت، از دو شیوه می‌توانند گرایش به روابط

فرازنشویی را افزایش دهند. از یک طرف این طرح واره‌ها با ایجاد ادراکات نادرست و غیرواقع‌بینانه بر روابط زناشویی تاثیر گذاشته و آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازند و از طرف دیگر با کاهش خودکنترلی، تعهد در روابط زناشویی را کاهش داده و منجر به افزایش احتمال گرایش به روابط فرازنشویی می‌شوند.

فرضیه فرعی دوم پژوهش: سبک‌های دلبستگی زنان متقاضی طلاق قادر به پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی آن‌ها می‌باشد.

از جمله یافته‌های دیگر پژوهش حاضر ارتباط سبک‌های دلبستگی زنان متقاضی طلاق با گرایش به روابط فرازنشویی بود. طبق نتایج حاصله در این پژوهش سبک‌های دلبستگی در مجموع قادر به پیش‌بینی حدود ۹ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازنشویی بودند. هرچند این میزان از قدرت تبیین در ابتدا کم به نظر می‌رسد، با این حال معناداری آماری آن نشان از تأثیرگذاری قابل توجه سبک‌های دلبستگی بر گرایش به روابط فرازنشویی زنان متقاضی طلاق دارد. از طرح دیگر نتایج این پژوهش نشان داد که از بین سه سبک دلبستگی، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی به‌عنوان دو سبک دلبستگی غیر ایمن، قادر هستند به تنهایی پیش‌بینی معناداری از گرایش به روابط فرازنشویی ارائه دهند. این نتایج حاکی از آن است که گرایش به روابط فرازنشویی بیشتر از آنکه تحت تأثیر دلبستگی ایمن باشد، از دلبستگی نایمن تأثیر می‌پذیرد. نتایج مربوط به این بخش از پژوهش با پژوهش‌های زیادی از جمله اکرمی و همکاران (۱۴۰۱)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۸)، وجدانی، کرمی و احمدی (۱۳۹۹)، میرزا مرادی (۱۳۹۸)، فردوسی (۱۳۹۷)، نوری، حقی و بهاری فر (۱۳۹۷)، رضوانی ملکرودی و اسدی (۱۳۹۶)، شهیاد (۱۳۹۶)، رضوانی زاده و اسلانی کتولی (۱۳۹۵) همسو بود.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت که سبک‌های دلبستگی نایمن و از جمله سبک دلبستگی اضطراب باعث می‌شود که زن و شوهر در احساسات و تعارضاتی که در روابط زناشویی خود تجربه می‌کنند، احساس عدم تعادل داشته باشند. در چنین شرایطی این افراد به دلیل

چسبندگی و مضطرب بودنی که در رابطه تجربه می‌کنند، نسب به عشق و علاقه دیگری به خودشان مطمئن نیستند و مدام نسبت به این مسئله که آیا توسط دیگری دوست‌داشتنی قلمداد می‌شوند یا نه دچار شک و تردید می‌شوند، مسئله‌ای که باعث می‌شود قادر به ثبات در روابط خود نباشند و تلاش کنند این اطمینان را در روابط دیگری تجربه کنند (گلووشکی، ۱۹۹۷). به عبارت دیگر می‌توان گفت که افرادی که سبک دلبستگی ناایمن را تجربه می‌کنند به واسطه خودپنداره ضعیف، که ویژگی افراد ناایمن به شمار می‌رود، قادر به برقراری روابط صمیمی و عمیق با دیگران نیستند، از همین رو است که این افراد در هنگام بروز اختلاف و تعارضات زناشویی، به جای تلاش برای حل تعارضات سعی می‌کنند با درگیر شدن در روابط دیگری از چارچوب روابط زناشویی فراتر رفته و روابط زناشویی را تجربه کنند (آلن و باکوم، ۲۰۰۴).

از دگر سو باید اشاره کرد که افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی را تجربه می‌کنند، به واسطه تجاربی که در دوران کودکی خود کسب کرده‌اند، آموخته‌اند که زمانی که امیدی به دریافت پاسخ مطلوب عاطفی از سوی مراقبین اصلی خود ندارند نیازهای خود را به دلبستگی سرکوب کرده و از تلاش برای درگیری عاطفی با مظاهر دلبستگی اجتناب کنند و در نتیجه عواطف و هیجانات خود را محدود سازند (کوربتا، ۲۰۱۸)، مسئله‌ای که بی‌شبهت به تجربه طرح‌واره ناسازگار محرومیت هیجانی نیست. در نتیجه چنین اجتنابی، افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی دارند احتمالاً هیجان‌های منفی را تجربه نمی‌کنند و تعارضات حل‌نشده بسیار بیشتری را نسبت به دیگر زنان تجربه می‌کنند (عارفی و خوشبخت، ۱۴۰۰). در چنین شرایطی تجربه بالای تعارضات حل‌نشده می‌تواند نگرش زنان را نسبت به همسر خود و روابط زناشویی‌شان منفی کرده و در نتیجه آن‌ها با هدف تجربه رضایت به روابط فرازناشویی روی آورند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که سبک دلبستگی ناایمن به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده معنادار گرایش به روابط فرازناشویی، به دو روش ممکن است در ایجاد بستر تجربه روابط

فرازنشویی دخیل باشد. از طرفی سبک دلبستگی اضطرابی باعث می شود که زنان جهت تجربه دوست داشته شدن و کسب اطمینان از دوست داشتنی بودن، به روابط فرازنشویی گرایش پیدا کنند و از طرف دیگر ممکن است سبک دلبستگی اجتنابی باعث انباشت تعارضات زنشویی حل نشده همراه با سرکوب هیجانات منفی گردد که به مرور زمان احساسات منفی زیادی را نسبت به روابط زنشویی و همسر در زنان ایجاد کرده و از همین رو این تمایل را در زنان (و یا مردان) ایجاد کند که برای کسب رضایت زنشویی به روابط فرازنشویی روی آورند.

فرضیه فرعی سوم پژوهش: راهبردهای مقابله‌ای زنان متقاضی طلاق قادر به پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی آنها می‌باشد.

از جمله یافته‌های دیگر پژوهش حاضر ارتباط معنادار راهبردهای مقابله‌ای زنان متقاضی طلاق با گرایش به روابط فرازنشویی و نقش معنادار پیش‌بینی کننده این راهبردها در پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که حدود ۱۱ درصد از تغییرات گرایش به روابط فرازنشویی را می‌توان از طریق راهبردهای مقابله‌ای زنان متقاضی طلاق تبیین کرد. همچنین این نتایج حاکی از آن بود که از بین راهبردهای مقابله‌ای مختلف تنها دو راهبرد پذیرش مسئولیت و راهبرد گریز/اجتناب قادر هستند که به شکل مستقل از دیگر راهبردها، پیش‌بینی معناداری از گرایش به روابط فرازنشویی ارائه نمایند. در این بین راهبرد پذیرش مسئولیت به شکل منفی و معنادار گرایش به روابط فرازنشویی را پیش‌بینی می‌کرد و راهبرد گریز/اجتناب به شکل مثبت و معنادار گرایش به روابط فرازنشویی را پیش‌بینی می‌کرد. این نتایج به شکل مستقیم و غیرمستقیم با نتایج پژوهش‌های نعمت زاده گنتابی و همکاران (۱۴۰۱)، چای و همکاران (۲۰۱۹)، کمربیگی و کمربیگی (۱۳۹۹)، آگیاریا (۲۰۲۱)، تاوول و همکاران (۲۰۲۰) و ایکسونگ و همکاران (۲۰۲۲) همسو است.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت که زوجینی که از سبک‌های مقابله‌ای سالم و مناسبی در موقعیت‌های استرس‌زا و بحرانی بهره می‌گیرند، در مواجهه با نیازها و چالش‌های زندگی خود به شکل بهتری قادر به عمل کردند بود و در نتیجه استرس تجربه‌شده اثرات مخرب کمتری بر جسم و روان آن‌ها خواهد داشت. در چنین شرایطی فرد کمتر تمایل به کج روی و رفتارهای نابهنجاری همانند روابط فرازنشویی دارد (آگباری، ۲۰۲۱؛ تاوول و همکاران، ۲۰۲۰). این در حالی است که زوجینی که از سبک‌های مقابله‌ای نامناسبی در هنگام مواجهه با استرس‌ورهای محیطی و بحران‌های زندگی استفاده می‌کنند، امکان تشخیص و ابراز هیجانات خود را به شکل واقعی نداشته و در نتیجه درک نادرستی از موقعیت‌های پیش‌آمده خواهند داشت. در چنین شرایطی عدم درک واقعی موقعیت‌های تجربه‌شده و هیجانات و شناخته‌ای همراه با آن‌که در نتیجه همین درک نادرست ایجاد شده است توانایی فرد را برای استفاده از راهکارهای تنظیم هیجان مناسب کاهش داده و در نتیجه قادر به حل مسئله به شکل صحیح نیستند (نعمت زاده کتابی و همکاران، ۱۴۰۱). در چنین شرایطی توانایی فرد برای مقابله با وقایع استرس‌زای زندگی کاهش یافته و در نتیجه تنشی که در روابط زنشویی به وجود می‌آید تشدید می‌شود و رضایت آن‌ها را از زندگی زنشویی کاهش می‌دهد. به مرور این شرایط می‌تواند منجر به تجربه طلاق عاطفی در زوجین گردد و احتمال بروز رفتارهایی همچون روابط فرازنشویی را تقویت می‌کند (چای و همکاران، ۲۰۱۹).

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به زوجین کمک کند تا با شناسایی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای خود در صورت نیاز با اقدام به‌موقع نسبت به پیش‌گیری از رفتارهای آسیب‌رسان به رابطه زنشویی اقدام کنند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند برای زوج درمانگران و درمانگران خانواده نیز مفید باشد، چرا که با تکیه بر نتایج پژوهش حاضر آن‌ها می‌توانند در صورت مشاهده روابط فرازنشویی با تأکید بر این متغیرها قبل از ترمیم رابطه ابتدا احتمال گرایش مجدد زوجین را به روابط فرازنشویی کاهش دهند. از دگر سو درمانگران حوزه خانواده با تکیه بر این نتایج می‌توانند نسبت به

وضعیت هر یک از متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر در ارتباط با گرایش به روابط فرازناشویی حساست بیشتری نشان داده و در صورت مشاهده وضعیت نامطلوب در هر کدام از آن‌ها با انجام اقدامات پیشگیرانه نسبت به پیشگیری از مشکلات بعدی اقدام کنند.

با توجه به محدودیت‌های مربوط به جامعه پژوهش به نظر می‌رسد که انجام پژوهش با جوامع بزرگ‌تر امکان ارائه تبیین قوی‌تری از گرایش به روابط فرازناشویی فراهم آورد، از همین رو یکی از پیشنهادات پژوهشی برای پژوهش‌های آتی استفاده از جوامع بزرگ‌تر و متنوع‌تر می‌باشد. علاوه بر این محدودیت‌های مربوط به ابزار و مخصوصاً پرسشنامه‌های خود سنجی این واقعیت را بیان می‌کند که در صورتی که پژوهشگران بتوانند در پژوهش‌های آتی از ابزارهای متنوع‌تری استفاده کنند، احتمالاً به نتایج و تبیین‌های قوی‌تری دست یابند. گنجاندن متغیرهای بیشتری نسبت به متغیرهایی که در پژوهش حاضر جهت تبیین گرایش به روابط فرازناشویی مورد استفاده قرار گرفته است، برای درک بهتر و امکان ارائه تبیین‌های قوی‌تر در پژوهش‌های آتی یکی دیگر از پیشنهادات پژوهشی‌ای است که توسط پژوهشگر ارائه می‌شود. نهایتاً با توجه به ماهیت محرمانه بودن گرایش افراد به روابط فرازناشویی تأکید می‌شود در صورتی که بتوان در پژوهش‌های آتی حداقل برای سنجش این سازه از ابزارهای دیگر و یا حتی پرسشنامه‌هایی که به شکل غیرمستقیم به گرایش به روابط فرازناشویی اشاره دارند استفاده شود، انتظار می‌رود که نتایج حاصله قابلیت تبیین و تعمیم بیشتری پیدا کند. پژوهشگر در پژوهش حاضر نیز همانند هر پژوهش دیگری، در مسیر انجام پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود که ممکن است بر نتایج پژوهش اثر گذاشته باشند. در این بخش به مهم‌ترین محدودیت‌هایی که در اجرای پژوهش حاضر توسط پژوهشگر تجربه شده اشاره خواهد شد.

۱. مهم‌ترین محدودیت موجود در پژوهش حاضر جامعه آماری پژوهش است. هرچند که پژوهشگر تلاش کرده است که جامعه آماری را به شکلی انتخاب کند که بیشترین تعمیم نتایج را بتوان برای آن در نظر گرفت، با این حال نتایج حاصل از

پژوهش حاضر را تنها می‌توان به جامعه کوچکی که نمونه از آن انتخاب شده است نسبت داد و برای داشتن نتیجه‌گیری‌های بهتر باید جوامع بزرگ‌تری را وارد مطالعات کرد.

۲. محدودیت دیگر پژوهش حاضر به ماهیت پرسشنامه‌های خودسنجی و مشکلات مربوط به آن‌ها برمی‌گردد. همان‌طور که مشخص است استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودسنجی برای گردآوری اطلاعات ماهیتاً با برخی مشکلات در زمینه صحت و کامل بودن اطلاعات همراه است.

۳. کامل نبودن متغیرهایی که بر گرایش به روابط فرازنشویی تأثیرگذار است یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار می‌رود. از آنجاکه تعداد متغیرهای شناسایی شده که ممکن بود بر گرایش به روابط فرازنشویی تأثیرگذار باشد، بسیار زیاد بود و امکان مطالعه تمام آن‌ها در یک برهه زمانی وجود نداشت، در پژوهش حاضر صرفاً به بررسی نقش سه متغیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای در پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی پرداختیم.

محدودیت دیگری که پژوهشگر در پژوهش حاضر با آن مواجه بود، مربوط به ماهیت رازگونه گرایش به روابط فرازنشویی بود. این ویژگی متغیر گرایش به روابط فرازنشویی باعث می‌شود که امکان دستیابی به نتایج واقعی مخصوصاً از طریق پرسشنامه کمی دشوار گردد.

فهرست منابع

بروکی میلان، حسین؛ کمرزین، حمید و زارع، حسین (۱۳۹۳). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر بهبود راهبردهای مقابله‌ای و علائم اعتیاد در بیماران وابسته به مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سود مصرف مواد، ۳۰(۸)، ۱۵۶-۱۴۳.

جنابآبادی، حسین و حسینی، مژگان (۱۳۹۸). رابطه سبک‌های ارتباطی والدین با خودشیفتگی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم شهر بیرجند. روانشناسی مدرسه، شماره ۳، پیاپی ۸، صفحه ۵۴-۶۵.

جوادی، سولماز و زینالی، علی (۱۳۹۸). آمادگی برای روابط فرازنشویی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۱۴، پیاپی ۵۶، صفحه ۵۳۳-۵۴۸.

دورانت، ویلیام جمیز و دورانت، آریل (۱۳۹۱). تاریخ تمدن. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. نشر علمی فرهنگی، تهران، ایران.

سامی، عباس؛ نظری، علی محمد؛ محسن‌زاده، فرشاد؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۳). روابط چندگانه سبک‌های دلبستگی، ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی با گیمان شکنی زناشویی. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۹.

سرمدی، یاسمن و احمدی، خدابخش (۱۴۰۰). میزان آسیب‌های ناشی از روابط فرازنشویی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۱۷، شماره ۶۵، صفحه ۸۱-۸۹.

فتحی، الهام (۱۳۹۶). نگاهی آماری به وضعیت طلاق در ایران در دهه‌های اخیر. نشریه آمار، ۵ (۶).

فرزین راد، بنفشه؛ اصغر نژاد، فرید؛ یزدان دوست، رخساره؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی (۱۳۸۹). مقایسه راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های شخصیتی در دانشجویان افسرده و غیرافسرده. مجله علوم رفتاری، ۴، ۲۱-۱۷.

کلاتری، عبدالحسین، روشن فکر، پیام، جواهری، جلوه (۱۳۹۰). عنوان فارسی: مرور سه دهه تحقیقات «علل طلاق» در ایران. مطالعات راهبردی زنان. ۱۴ (۵۲).

محمود علیلو، مجید (۱۳۹۰). رابطه ویژگی شخصیتی و راهبردهای مقابله ای در معتادان HIV مثبت. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۱(۳۳)، ۷۰-۷۶.

موسوی نسب، سیدمحمدحسین؛ تقوی، سید محمد رضا (۱۳۸۶). تاثیر ارزیابی استرس و راهبردهای رویارویی در سلامت روان. مجله پزشکی هرمزگان، ۱(۱۱)، ۸۳-۹۰.

یانگ، جفری؛ کلوکسو، زانت و ویشار، مارجوری (۱۴۰۲). طرح واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی (ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز). انتشارات ارجمند، تهران، ایران.

Bagarozzi DA. Enhancing intimacy in marriage: A clinician's guide. routledge; 2014 Jan; 27.

Chen, K. Y., Chang, C. W., & Wang, C. H. (2019). Frontline employees' passion and emotional exhaustion: The mediating role of emotional labor strategies. *International Journal of Hospitality Management*, 76, 163-172.

Chung, K., Choi, E. (2014). Attachment styles and mother's well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69: 135 -139.

Cohen, A. B. (2005). The relation of attachment to infidelity in romantic relationship: an exploration of attachment style, perception of partner's attachment style, relationship satisfaction, and relationship quality and gender differences in sexual behaviors. Institute of advanced psychological studies, Adelphi University.

Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(3), 509-524.

- Kakouei Dinaki, E., & Ghavami, N. (2015). The Study of Gender and Women consequences of drug abuse trends. *Social Health and Addiction Journal*, 1(4), 9-32. [Persian]
- Kalmijn, M. (2005). The Effects of Divorce on Men's Employment and Social Security Histories. *European Journal of Population*, 21(4): 347-366.
- Kamali, S., Ameri, F., Khosravi, Z. & Ramezani, M. A. (2018). Lived experience of women of their husband's extramarital relationship: A phenomenological study. *Journal of Family research*. 14(1), 95-112[in Persian].
- Kardatzke, K. N. (2009). Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students. unpublished doctoral dissertation. Greensboro university.
- Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.
- Pronk TM, Karremans JC, Wigboldus DHJ. How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *J Pers Soc Psychol*. 2011;100(5):827 -37. doi: 10.1037/a0021993.
- Spangler, G. & Rihaezer, K. (2016). Biobehavioral organization in sesurly and insecurely attached infant. *Child development*, 64, 1439-1450.
- Spinazzola, J., van der Kolk, B., & Ford, J.D. (2018). When Nowhere Is Safe: Interpersonal Trauma and Attachment Adversity as Antecedents of Posttraumatic Stress Disorder and Developmental Trauma Disorder. *Journal of Traumatic Stress*, 31(5), 631-642.
- Stefano, J.D., Oala, M. (2012). Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families*, 16(1), 13-19.
- Warach, B., Josephs, L., & Gorman, B. S. (2018). Pathways to infidelity: The roles of self-serving bias and betrayal trauma. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 44(5), 497-512.
- Warach, B., Josephs, L., & Gorman, B.S. (2018). Pathways to Infidelity: The Roles of Self-Serving Bias and Betrayal Trauma. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 44(5), 497-512.

Wechsler,S.M; Benson,N. Machado,W.d,L; C. M. D. B. and E. F. G (2018). Adult temperament styles: a network analysis of their relationships with the Big Five Personality Model. *European Journal of Education and Psychology*, 11, 1,61–75.Retrieved from